

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی پری میسان - par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۳۱ دسمبر ۲۰۱۴

طرح صلح باورنکردنی ایالات متحده برای سوریه

L'incroyable plan de « paix » US pour la Syrie

مردم سوریه در دو جنگ پی در پی طی چهار سال پیروز شدند. با این وجود هنوز به صلح دست نیافته اند. نه تنها در واشنگتن «شاهین های لیبرال» دست به هر کاری می زنند تا بحران ادامه یابد، بلکه برای جنگ سوم نیز طرح ریزی کرده اند. در این نوشته تی پری میسان نشان می دهد که چگونه آتش بیاران جنگ می خواهند از گردهمائی صلحی که توسط مسکو در پایان ماه جنوری ۲۰۱۵ برگزار خواهد شد، برای اهداف جنگ طلبانه خود سوء استفاده کنند.

شبكة بین المللی ولتر/دمشق (سوریه) / ۲۹ دسمبر ۲۰۱۴



فرمانده قدیمی نیروهای ناتو در افغانستان، ژنرال جان آلن John R. Allen با تبانی ژنرال دیوید پتریوس David Petraeus برای خرابکاری در طرح صلح طی نخستین گردهمائی ژنیو توطنه چینی کرد. رئیس جمهور بارک اوباما او را تحت نظر گرفت و مانع گزینش او برای فرماندهی ناتو شد. ولی جنرال آلن با وجود تمام اتهاماتی که در پرونده او سنگینی می کرد موفق شد مقام خود را حفظ کند (گر چه دیوید پتریوس مجبور شد از مقام خود به عنوان رئیس سازمان سیا استعفاء دهد). وقتی برای فرماندهی اتحادیه نظامی ضد داعش برگزیده شد، از توطنه چینی های جنرال پتریوس از پایگاه کوهلبرگ کراویس رابرتس Kohlberg Kravis Roberts Global Institute (شرکت خدمات مالی امریکائی و چند ملیتی در زمینه مبادلات سهام اختصاصی و ارائه خدمات مدیریت سرمایه گذاری...) پشتیبانی کرد. او یکی از دیوانسالاران مرکز نوین امنیت امریکا Center for a New American Security (CNAS) ((اتاق فکری «شاهین های لیبرال» می باشد.

در سال ۲۰۰۱، وقتی رئیس‌جمهور جرج بوش تصمیم گرفت سوریه را به فهرست اهدافی که باید مورد تخریب قرار گیرد به ثبت رساند، در واقع به سه مورد مشخص فکر می‌کرد:

۱ — درهم شکستن «محور مقاومت» و مساعد ساختن زمینه برای گسترش اسرائیل.

۲ — دست گذاشتن روی منابع عظیم گاز.

۳ — ترسیم مجدد «خاورمیانه بزرگ».

طرح ریزی های جنگی در سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ با شکست روبه رو شد تا سرانجام در سال ۲۰۱۱ به شکل «بهار عرب» تبلور یافت: و بهار عرب به این معنا بود که با راه اندازی جنگ از نوع نسل چهارم اخوان المسلمین می‌بایستی کسب قدرت کند. با این وجود، پس از یک سال تحریف و دروغ رسانه‌ئی، مردم سوریه بیدار شدند و از ارتش ملی و رسمی خود پشتیبانی کردند. با آزاد شدن باب‌عمر (محله‌ای در حمص) فرانسه از بازی کناره گرفت و ایالات متحده و روسیه طی گردهمایی ژنیو ۱ منطقه را بین خودشان تقسیم کردند (جون ۲۰۱۲). ولی اسرائیل در مقابل دیدگان حیرت زده عمومی موفق شد با پشتیبانی رئیس‌جمهور جدید فرانسه فراسوا هولاند، وزیر امور خارجه ایالات متحده هیلری کلینتن و رئیس سازمان سیا دیوید پترپوس میز مذاکرات صلح را واژگون کند. جنگ دوم، اینبار از نوع نیکارگونه (یعنی به شیوه سربازگیری دائمی بین داوطلبان مزدور جنگی از کشورهای دیگر) دوباره منطقه را به خون آغشته کرد. به هر صورت، جنگ دوم نیز بی آن که به صلح پایدار بینجامد با شکست روبه رو شد. از سوی دیگر، جان کری دو روز پیش از آغاز گردهمایی صلح ژنیو ۲ مضمون آن را به شکل دادگاهی به طرفداری از عربستان سعودی تبدیل کرد. در این به هم ریختگی جنگ سوم آغاز شد، و داعش به میدان آمد: ناگهان یک گروه کوچک متشکل از چند صد جهاد طلب به ارتشی گسترده با بیش از ۲۰۰۰۰۰۰ مرد جنگی با تجهیزات کامل از منطقه سنی نشین عراق و صحرای سوریه حملاتش را آغاز کرد.

چند ماه پیش از این نوشته بودم که طرح داعش در پیوند با نقشه جغرافیائی جدید ایالات متحده برای ترسیم مجدد خاورمیانه است که روبین رایب Robin Wright سال ۲۰۱۳ در نیویورک تایمز منتشر کرده بود (۱). در تداوم منشور سایکس پیکوت Sykes-Picot ستاد فرماندهی ایالات متحده — ابتداء منتظر ماند تا داعش در عراق سیاست پاکسازی قومی را به اجرا گذارد یعنی هدفی که اساساً به خاطر آن این سازمان را ایجاد کرده بودند — و بعد بمباران جهاد طلبان را آغاز کرد. پرسشی که مطرح بود این بود که آیا مناطقی که از کنترل داعش خارج می‌شود به عراق و یا سوریه بازگردانده خواهد شد؟

در حالی که ایالات متحده از هماهنگ سازی عملیات نظامی خودشان با سوریه امتناع کرده اند و روسیه در حال آماده سازی گردهمایی صلح است، «شاهین های لیبرال» را در واشنگتن می‌بینیم که در حال تدارک اهداف تازه ای هستند. چرا که مردم سوریه به «انقلاب» صحنه پردازی شده توسط الجزیره و همکارانشان باور نداشتند و از پشتیبانی مزدوران مسلح علیه جمهوری امتناع کردند و «تغییر رژیم» در کوتاه مدت ممکن نشد. در نتیجه باید پذیرفت که قانون اساسی جدید گرچه کاستی هائی دارد ولی جمهوری خواه و دموکراتیک است و رئیس‌جمهور بشار اسد نیز با ۶۳ درصد آراء (از ۸۸ در صد کل رأی دهندگان) انتخاب شده است. بر این اساس ایالات متحده نیز باید گفتار خود را با واقعیت هماهنگ سازد.

طرح «صلح» «شاهین های لیبرال» عبارت است از دستیابی به همان اهداف اولیه، یعنی تجزیه سوریه به دو بخش: منطقه تحت کنترل دمشق و منطقه دیگر تحت کنترل «شورشیان معتدل». پنتاگون را باید به این شکل درک کنیم که: جمهوری سوریه پایتخت و ساحل مدیترانه را در اختیار خواهد داشت، و پنتاگون صحرای سوریه و منابع گاز را کنترل خواهد کرد (یعنی مناطقی که با بمباران های جنرال جان آلن از زیر سلطه داعش بیرون کشیده شده و آزاد می

گردد). به گفته پرونده ها و بیانیه های « شاهین های لیبرال » تنها ۳۰ درصد سرزمین سوریه به مردم سوریه تعلق خواهد داشت.



نقشه جغرافیایی باز ترسیم شده به تعبیر روبین رایت

قضیه بسیار ساده است: در حال حاضر جمهوری سوریه تمام شهرهای بزرگ را تحت کنترل خود دارد، به جز رقه و بخش کوچکی از حلب، ولی هیچ کس نمی تواند مدعی کنترل صحراهای وسیع شود، نه دولت سوریه و نه جهاد طلبان. بر این اساس پنتاگون نتیجه می گیرد که آن بخشی که کنترل آن از سوی دولت دمشق وضع روشنی ندارد از نظر حقوقی به مزدوران مسلح او تعلق می گیرد!

داستان به این جا خاتمه نمی پذیرد. از آن جایی که مردم سوریه بشار اسد را انتخاب کرده اند، او اجازه دارد که در قدرت باقی بماند، ولی مشاوران شخصی او حق ندارند در مقام های خودشان باقی بمانند. در واقع همه می دانیم که دولت سوریه در رویارویی با تهاجم خارجی توانست پیروزمندانه مقاومت کند زیرا دارای یک بخش سرّی می باشد که شناسائی آن و در نتیجه حذف آن مشکل است. این نبود شفافیت که خواست بنیانگذار سوریه مدرن رئیس جمهور حافظ اسد بود، برای مقاومت در مقابل اسرائیل به کار بسته شد. اصلاحات قانون اساسی نیز در سال ۲۰۱۲ این بخش را حذف نکرد، ولی رئیس جمهور منتخب را در مقابل ملت مسؤول دانست. حتی اگر بتوانیم چنین موردی را به خاطر عملکرد انحرافی برخی در گذشته مورد انتقاد قرار دهیم که از نبود شفافیت در بخشی از قدرت حاکم سوء استفاده کرده اند، حذف چنین بخشی از قدرت حاکم در حال حاضر به مفهوم صرف نظر از استقلال کشور خواهد بود.

البته، خواهند گفت که « شاهین های لیبرال » نمی توانند به چنین طرحی کاملاً جامه عمل بپوشانند. ولی حتی اگر بتوانند به یک صدم این طرح نیز جامه عمل بپوشانند، نتیجه آن اجتناب ناپذیر ساختن جنگ تازه ای خواهد بود. به همین علت، سوریه باید روی یک پیش شرط اولیه در تمام گردهمائی های جدید برای صلح یا فشاری کند و آن هم این است که هرگز درباره تمامیت ارضی کشور مذاکره نکند.

[Thierry Meyssan](#)

Source

[Al-Watan \(Syrie\)](#)

[1] “[Imagining a Remapped Middle East](#)”, Robin Wright, *The New York Times Sunday Review*, 28 septembre 2013.

منبع:

<http://www.voltairenet.org/article186317.html>

گاهنامه هنر و مبارزه

۳۰ دسمبر ۲۰۱۴